



فصلنامه علمی - تخصصی حسابداری و فناوری های نوین

تأثیر ویژگی های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس

□ □ □

محمد نبوی^۱

چکیده

بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی و توانایی مدیریت بر روی سیاست های شرکت از قبیل خط مشی و سیاست های حسابداری شرکت موضوع مهمی است؛ چرا که اعتماد بیش از حد می تواند منجر به تصمیماتی گردد که ارزش شرکت را از بین می برد و تداوم فعالیت شرکت ها با خطر ورشکستگی روبه رو می کند؛ بنابراین هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت و همچنین آزمون بیشتر به منظور بررسی اثر توانایی مدیریت بر رابطه بیش اطمینانی و اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس صورت گرفته است. در همین راستا نمونه ای شامل ۱۱۷ شرکت طی دوره ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ (۸۱۹ شرکت - سال) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و بر اساس رگرسیون لجستیک فرضیه ها

۱. محمد نبوی کد ملی: ۰۰۲۱۵۷۰۱۰۸ شماره تماس: ۰۹۱۲۰۸۹۶۸۴۹

رایانامه: Mohammadrezanbi@gmail.com

۲ ◇ فصلنامه علمی - تخصصی حسابداری و فناوری‌های نوین◆

آزمون شد. نتایج نشان داد که با افزایش بیش اعتمادی مدیران، اظهار نظر غیرمقبول حسابرس افزایش پیدا می‌کند و توانایی مدیریتی این ارتباط را تعدیل می‌کند. همچنین، اعتماد به نفس بیش از حد مدیران، بر افزایش میزان اخراج حسابرس در سال بعد از صدور اظهار نظر تعدیل شده، تأثیر مثبت دارد. علاوه بر این نتایج نشان داد که اثرات بیش اطمینانی مدیران بر اخراج حسابرس پس از اظهار نظر حسابرس برای شرکت‌های با کمیته حسابرسی ضعیف، بیشتر است. **واژگان کلیدی:** بیش اطمینانی مدیران، اظهار نظر حسابرس، تغییر حسابرس، کمیته حسابرسی، توانایی مدیران.

۱. مقدمه

محصول نهایی حسابرسی یک واحد تجاری، گزارشی است که در آن، حسابرسان نظر خود را نسبت به اوضاع مالی صاحبکار اظهار می‌کنند. حسابرسان مستقل از طریق اعتبار دهی به صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مورد رسیدگی، آلودگی‌ها را از اطلاعات مالی می‌زدایند و موجب شفافیت و قابل اطمینان اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شوند. پس گزارش حسابرس درباره صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مالی از مهم‌ترین ابزارهای حصول اطمینان از قابلیت اطمینان اطلاعات شرکت‌ها به شمار می‌رود (هربار و یانگ، ۱، ۲۰۱۶). بنابراین اگر حسابرسی در صورت‌های مالی به طور معقول فرض کند که ممکن است اشتباهی در آن‌ها وجود داشته باشد و مدیران شرکت از اصلاح صورت‌های مالی سرباز زنند حسابرس باید یک اظهار نظر مشروط یا اظهار نظر مردود و یا عدم اظهار نظر را بسته به شرایط مربوطه صادر نماید (کریشنان و وانگ، ۲، ۲۰۱۵). با این حال، علی‌رغم تعاملات مکرر بین حسابرسان و مدیریت ارشد (به عنوان مثال، مدیر اجرایی و مدیر ارشد مالی) در فرآیند حسابرسی، ادبیات نسبتاً کمی در مورد اینکه آیا حسابرسان در تصمیمات حسابرسی خود ویژگی‌های مدیران صاحبکار را در نظر می‌گیرند یا اینکه چگونه ویژگی‌های مدیریتی همچون بیش اعتمادی و توانایی مدیریت بر روابط حسابرس و مشتری تأثیر می‌گذارد، وجود دارد (بن دیوید و همکاران، ۳، ۲۰۱۳؛ مالمندیر و تیت، ۴، ۲۰۰۸).

بیش اعتمادی پدیده‌ای شناخته شده در روانشناسی است که بیان می‌کند افراد درباره توانایی‌هایی خود، از جمله قدرت پیش‌بینی، ادراک اطلاعاتی و دانش خود، اغراق می‌کنند.

-
1. Hribar and Yang
 2. Krishnan and Wang
 3. Ben-David et al
 4. Malmendier and Tate

به بیان دیگر به توانایی‌ها و دانش خود اعتماد بیش از حد دارند (احمد و دونلمن، ۱، ۲۰۱۳). از طرفی، حساب‌برسان شایستگی مدیر را در هنگام ارزیابی اطلاعات ارائه شده توسط صاحبکار در نظر می‌گیرند. حساب‌برسان در موقعیتی قرار دارند که آنها را قادر می‌سازد مدیران واقعاً بیش از حد اعتماد به نفس را از مدیران بسیار شایسته تشخیص دهند. از یک سو، ممکن است، مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد، چشم انداز بیش از حد مثبت را حتی در طول دوره پریشانی مالی حفظ می‌کنند. اگر برنامه مدیریت برای اصلاح شرایط مضطرب منعکس کننده درک آنها باشد، حساب‌برسان به احتمال زیاد به این نتیجه می‌رسند که برنامه‌های مدیریت برای غلبه بر بحران ناکافی و غیر قابل اعتماد است تصمیم به صدور نظر تعدیل شده می‌گیرند (اندرسون و همکاران، ۲، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، اگر ویژگی‌های شرکت، منعکس کننده تصمیمات تهاجمی اتخاذ شده توسط مدیریت بیش از حد اعتماد به نفس باشد و شرکت ریسک بالاتر را در فعالیت‌ها و عملکرد خود تجربه کرده است و در این جهت به موفقیت رسیده باشد، پس اعتماد بیش از حد مدیریتی منجر به تعدیل گزارش حساب‌برس نمی‌شود. همچنین، اگر حساب‌برسان متقاعد شوند که این مدیران به خاطر داشتن صلاحیت و دیدگاه مثبت دارای اعتماد به نفس هستند و به این نتیجه برسند که برنامه‌های مدیریت برای غلبه بر تردید اساسی در مورد توانایی شرکت مشتری کافی است، به صدور گزارش تعدیل نشده می‌پردازد (کیم، ۳، ۲۰۲۱).

با این حال، مدیران که بیش از حد اعتماد به نفس به نظر می‌رسند همیشه توانایی‌های یکسانی ندارند. از آنجایی که حساب‌برسان به قابلیت اطمینان شواهد حساب‌رسی حساس هستند و مدیریت مشتری یکی از منابع اصلی شواهد است، حساب‌برسان شایستگی مدیر را در هنگام

1.Ahmed and Duellman

2.Anderson

3.Kim

◆..... تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۵

ارزیابی اطلاعات ارائه شده توسط صاحبکار در نظر می‌گیرند. بنابراین به نظر می‌رسد حسابرسان، توانایی تشخیص شخصیت به ظاهر اعتماد به نفس بالای مدیران را داشته باشند پس اگر مدیران را با توانایی بالا شناسایی کنند سعی می‌کنند اظهار نظر غیرقبول کمتری را ارائه نمایند (کریشنان و وانگ، ۲۰۱۵).

تحقیقاتی قبلی نشان می‌دهد که زمانی که حسابرس از رفتارهای حسابداری شرکت پشتیبانی نمی‌کند یا نظر حسابرسی تعدیل شده صادر می‌کند، احتمال بیشتری وجود دارد که یک شرکت رابطه خود را با حسابرس خاتمه دهد. مدیرانی که دارای اعتماد به نفس بیش از حد هستند، به نظر می‌رسند تمایل دارند که سوگیری خوش بینانه‌ای نسبت به آینده نشان دهند. مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد نسبت به سایر مدیران کمتر احتمال دارد که رفتارهای پیش بینی سود خوشبینانه خود را پس از مواجهه با خطاهای پیش بینی ناشی از خوش بینی آنها تغییر دهند. بنابراین، تعارض بین مدیریت و حسابرس پس از صدور اظهار نظر زمانی که مدیریت ظاهراً بیش از حد مطمئن است، تشدید می‌شود و بنابراین احتمال برکناری حسابرس توسط صاحبکار بیشتر است (بانرجی و همکاران، ۲۰۱۸). از طرفی وقتی شرکت دارای کمیته حسابرسی مستقل تر یا کمیته حسابرسی با تخصص بیشتر است، حسابرسان پس از صدور اظهار نظر، کمتر احتمال دارد که اخراج شوند. این نشان می‌دهد که وقتی یک کمیته حسابرسی قوی وجود دارد، مدیریت نسبت به تصمیمات شرکتی اختیار کمتری دارد (کیم، ۲۰۲۱).

بر اساس آنچه مطرح شد، تا به امروز پژوهش‌های زیادی در خصوص تأثیر عوامل مختلفی بر نوع گزارش حسابرس صورت گرفته است. اما تاکنون موضوع، مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد و اظهار نظر حسابرس و خاتمه فعالیت حسابرس با تأکید بر توانایی مدیریتی و کمیته

حسابرسی توسط پژوهشگران مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است و برای نخستین بار در ایران به آن پرداخته شده است.

در ادامه، ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه و فرضیه‌ها تدوین شده‌اند. سپس، روش پژوهش شامل نمونه پژوهش و مدل‌های پژوهش تدوین شده است. همچنین یافته‌های پژوهش شامل آمار توصیفی و برآزش مدل‌های پژوهش گزارش شده است. بخش‌هایی نیز به نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و اظهار نظر حسابرس

مطالعات متعددی بدنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه اعتماد به نفس بیش از حد مدیر بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر می‌گذارد. در این راستا گوئل و تاکور (۲۰۰۸) بیان کردند که شرکت‌ها به طور متوسط یک مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد را ترجیح می‌دهند، زیرا هزینه کمتری جهت انگیزه دادن به مدیر برای انجام پروژه‌های مخاطره‌آمیز دارند. با این حال، از آنجایی که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد توانایی خود را بیش از حد ارزیابی می‌کنند و در تولید اطلاعات، سرمایه‌گذاری کمتری می‌کنند، اعتماد بیش از حد، اگر از یک نقطه بهینه فراتر برود می‌تواند بر عملکرد شرکت تأثیر منفی بگذارد. مالمندیر و تیت (۲۰۰۸) دریافته‌اند که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد، به احتمال بیشتری خرید انجام می‌دهند و تمایل به پرداخت اضافی برای هدف شرکت دارند. آنها همچنین شواهدی را ارائه می‌کنند که نشان می‌دهد مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد، سرمایه‌گذاری داخلی را به سرمایه‌گذاری خارجی ترجیح می‌دهند، زیرا بر اساس این تصور که ارزش شرکت‌شان کمتر ارزش‌گذاری شده است، منابع مالی خارجی را پرهزینه می‌دانند. هیرشلیفر و همکاران^۱

1. Hirshleifer et al.

◆..... تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۷

(۲۰۱۲) دریافتند مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد می‌توانند منجر به افزایش ارزش شرکت در صنایع بسیار نوآور شود. در حالی که بانرجی و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که سرمایه‌گذاران بیشتر احتمال دارد که علیه شرکت‌هایی با مدیریت بیش اعتماد، پرونده‌های حقوقی تشکیل دهند. بازارهای بدهی نیز به اعتماد بیش از حد مدیریتی واکنش نشان می‌دهند. ساندر و همکاران^۱ (۲۰۱۰) نشان می‌دهند که دارندگان اوراق قرضه زمانی که شرکت مدیر بیش اعتماد دارد، محدودیت‌های پیمانکاری بیشتری را طلب می‌کنند. به علاوه، هریبار و همکاران^۲ (۲۰۱۲) نشان می‌دهند اعتماد بیش از حد مدیریتی با رتبه‌های اعتباری پایین تر همراه است. در مجموع، این مطالعات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و نهادهای نظارتی، اعتماد بیش از حد مدیریتی را به عنوان یک عامل خطر افزایش دهنده، ریسک شرکت می‌دانند.

تعدادی از مطالعات تأثیر اعتماد بیش از حد مدیران بر گزارشگری مالی و کیفیت افشا را بررسی می‌کنند. برای مثال، هریبار و یانگ (۲۰۱۶) نشان می‌دهند مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد به احتمال زیاد به پیش بینی سود بیش از حد خوش بینانه می‌پردازد. کوه و همکاران^۳ (۲۰۱۸) نشان دادند که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد به احتمال زیاد هزینه‌های تحقیق و توسعه بیشتری را گزارش می‌کنند. در حالی که آنها نسبت به سایر گروه شرکت‌های کنترل نتوانستند نوآوری بیشتری از خود نشان دهند. در رابطه با حساب‌برسان، هریبار و همکاران (۲۰۱۲) و دولمن و همکاران^۴ (۲۰۱۵) بیان کردند که حساب‌برسان حق الزحمه حسابرسی بالاتری را از شرکت‌هایی با مدیریت بیش اعتماد دریافت می‌کنند، که نشان می‌دهد

-
1. Sunder et al.
 2. Hribar et al.
 3. Koh et al.
 4. Duellman et al.

حسابرسان تشخیص می‌دهند که ریسک حسابرسی و یا تلاش آنها در حضور مدیریت بیش اعتماد افزایش می‌یابد.

خوشکار و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای نشان دادند بین بیش اعتمادی مدیریت با اظهارنظر حسابرس رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بیش اعتمادی مدیریت با احتمال تغییر حسابرس پس از صدور اظهارنظر حسابرس رابطه معنی‌داری دارد. کیمیایی (۱۳۹۶) نیز نشان می‌دهد که هرچه اطمینان مدیریت در شرکت‌ها بیشتر باشد، حسابرس بیشتر در مورد تداوم عملیات اظهارنظر خواهد کرد.

در کل دو روش وجود دارد که اعتماد بیش از حد مدیریتی می‌تواند بر تصمیم حسابرس برای صدور نظر تداوم، فعالیت تأثیر بگذارد. اولاً، افراد با اعتماد به نفس، ذاتاً نسبت به آینده خوش بین هستند و عدم اطمینان آتی را دست کم می‌گیرند. احتمالاً، مدیران بیش اعتماد، چشم انداز بیش از حد مثبت را حتی در طول دوره پریشانی مالی حفظ کنند. اگر برنامه مدیریت برای اصلاح شرایط پریشانی مالی منعکس کننده تصور آنها باشد، حسابرسان به احتمال زیاد به این نتیجه می‌رسند که برنامه‌های مدیریت برای غلبه بر بحران ناکافی و غیرقابل اعتماد است و تصمیم به صدور اظهارنظر حسابرس می‌گیرند (کیم، ۲۰۲۱). ثانیاً، صرف نظر از برنامه‌های ارائه شده، حضور مدیریت بیش اعتماد، در صورتی که حسابرس اعتماد بیش از حد را عاملی بداند که ریسک تجاری مشتری را افزایش می‌دهد، می‌تواند شک حرفه‌ای حسابرس را افزایش دهد و ارزیابی حسابرس از توانایی شرکت برای ادامه فعالیت شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، دلایل متعددی وجود دارد که چرا اعتماد بیش از حد مدیریتی ممکن است تأثیر مثبتی بر نوع اظهارنظر حسابرس نداشته باشد. اول، پاسخ حسابرس به مدیری که بیش از حد اعتماد به نفس دارد بستگی به این دارد که حسابرس، شخصیت بیش اعتمادی را کارآمد می‌داند یا قادر به تشخیص سوگیری افراد و ارزیابی تأثیر آن بر عملکرد شرکت است. ادبیات روانشناسی نشان می‌دهد که مردم به طور کلی یک فرد با اعتماد به نفس بیش از حد را به عنوان بسیار شایسته درک می‌کنند (اندرسون و همکاران، ۲۰۱۲). تحقیقات رفتاری در حسابرسی همچنین

◆ تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۹

شواهدی را نشان می‌دهد که قضاوت‌های حرفه‌ای حسابرسان می‌تواند تحت تأثیر مشتریان باشد.

در مجموع، این امکان وجود دارد که حضور مدیریت بیش اعتماد بتواند بر حسابرسان تأثیر بگذارد تا به این نتیجه برسند که شرکت می‌تواند برای مدت معقولی به فعالیت خود ادامه دهد. با این حال، به دنبال یافته‌های ادبیات قبلی مبنی بر اینکه طرف‌های نظارتی که با یک شرکت معامله می‌کنند، نسبت به اعتماد بیش از حد مدیریتی (یا خوش‌بینی) واکنش منفی (یا بدبینانه) نشان می‌دهند، پیش‌بینی می‌شود که حسابرس احتمال بیشتری دارد که اظهار نظر حسابرس را برای شرکت با مدیرانی که بیش از حد مطمئن هستند صادر کند.

۲-۲- توانایی مدیریتی، اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و اظهار نظر حسابرس

تعدادی از مطالعات در مورد اعتماد بیش از حد نشان می‌دهد افرادی که رفتارهای بیش اعتمادی از خود نشان می‌دهند را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: (۱) افراد با اعتماد به نفس که توانایی بالایی نیز دارند و (۲) افرادی که به اشتباه معتقدند توانایی بالایی دارند. در حالی که هر دو گروه به ظاهر بیش اعتماد هستند، می‌توان نتیجه گرفت که فقط گروه دوم باور نابجا در مورد توانایی خود دارند. از آنجایی که اعتماد بیش از حد نشان دهنده عدم تطابق بین ادراک و واقعیت است، گروه اول واقعاً بیش از حد اعتماد به نفس ندارند (مرکل و وبر، ۲۰۱۱). اگر یک مدیر به ظاهر بیش اعتماد نیز توانایی بالایی داشته باشد و بنابراین تفاوت کمتری بین توانایی درک شده و توانایی واقعی آنها وجود داشته باشد، ممکن است این مدیر نسبت به آینده بیش از حد خوشبین باشد یا عدم اطمینان ذاتی آن را دست کم بگیرد. با توجه به رابطه نزدیک بین حسابرسان و مدیریت صاحبکار، حسابرسان فرصت‌هایی برای مشاهده اقدامات مدیران و ارزیابی توانایی آنها دارند. بنابراین، حسابرسان می‌توانند بین یک مدیر با

توانایی بالا و یک مدیر با توانایی پایین، که هر دو رفتارهای بیش اعتمادی را از خود نشان می دهند، تمایز قائل شوند.

مطالعات اخیر یافته های متفاوتی را ارائه کرده است. در حالی که بایک و همکاران^۱ (۲۰۱۸) رابطه مثبتی بین توانایی مدیریتی و محیط اطلاعاتی یک شرکت پیدا کردند، دمرجیان و همکاران^۲ (۲۰۲۰) گزارش می دهند که مدیران با توانایی بالا به احتمال زیاد عمداً سود را هموار می کنند. گل و همکاران^۳ (۲۰۱۸) همچنین دریافتند که مدیران با توانایی بالاتر، زمانی که شرکت از نظر مالی دچار مشکل است، بیشتر در گزارشگری مالی فرصت طلبانه شرکت می کنند. در ایران نیز علی مرادی و عبدی (۱۳۹۹) بیان کردند که بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. همچنین نتایج نشان داده است که رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس در شرکت هایی با کمیته حسابرسی قوی، نسبت به شرکت هایی با مدیریت قوی، قوی تر است. همچنین یافته های این پژوهش حاکی از آن هست که توانایی مدیران بر رابطه بین بیش اطمینانی و صدور گزارش حسابرس اثر معناداری نداشته است. بهار مقدم و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسان و همچنین توانایی مدیریت با امکان انتشار گزارش حسابرس، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بنابراین، می توان بیان کرد که توانایی مدیریتی می تواند ارتباط بین اعتماد بیش از حد مدیریتی و احتمال اظهار نظر غیر مقبول را کاهش دهد، زیرا حسابرسان احتمالاً می توانند مدیران مطمئنی را که توانایی بالایی دارند از مدیرانی که در واقع بیش از حد به توانایی های خود اطمینان دارند متمایز کنند.

-
1. Baik et al.
 2. Demerjian et al.
 3. Gul et al.

◆..... تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۱۱

۲-۳- اعتماد به نفس بیش از حد مدیران، خاتمه فعالیت حسابرس و کمیته حسابرسی قوی

تحقیقات قبلی نشان می‌دهد زمانی که حسابرس از روش‌های حسابداری شرکت پشتیبانی نمی‌کند یا اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده صادر می‌کند، یک شرکت به احتمال زیاد رابطه خود را با حسابرس خاتمه می‌دهد (لنوکس، ۲۰۰۰). سیترون و تافلر (۱۹۹۲) متوجه شدند که شرکت‌ها به احتمال زیاد حسابرسان خود را پس از دریافت اظهار نظر غیرمقبول اخراج می‌کنند. تغییر حسابرس پس از اظهار نظر تعدیل شده می‌تواند به دلیل تضاد بین مدیریت و حسابرس در رابطه با اظهار نظر حسابرسی باشد. اگرچه قانون سایبرز اوکسلی ۲ در سال ۲۰۰۲ کمیته‌های حسابرسی کاملاً مستقل را ملزم می‌کند که مسئول مستقیم انتصاب، جبران خسارت و نظارت بر کار هر شرکت حسابداری عمومی ثبت شده باشند. دهلیوال و همکاران (۲۰۱۵) مطرح می‌نمایند که مدیران همچنان بر تصمیمات انتخاب حسابرس در دوره پس از قانون سایبرز اوکسلی تأثیر می‌گذارند، بر این اساس، انتظار بر این است که ویژگی‌های شخصی مدیران می‌تواند بر تصمیم شرکت برای خاتمه دادن به رابطه با حسابرس پس از صدور اظهار نظر تعدیل شده تأثیر بگذارد.

همانطور که در بالا مورد بحث قرار گرفت، مدیرانی که بیش اعتماد به نظر می‌رسند تمایل دارند سوگیری خوش بینانه‌ای نسبت به آینده نشان دهند. چن همکاران (۲۰۱۵) مشاهده کردند که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد نسبت به سایر مدیران کمتر احتمال دارد که رفتارهای پیش بینی سود خوشبینانه خود را پس از مواجهه با خطاهای پیش بینی منتسب به

-
1. Taffler & Citron
 2. Sarbanes-Oxley
 3. Dhaliwal et al
 4. Chen

خوش بینی آنها تغییر دهند. این نشان می‌دهد که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد تمایل دارند تعصب خوش بینانه خود را حتی پس از دریافت بازخورد اصلاحی (مثلاً اظهار نظر تعدیل شده حسابرسان) حفظ کنند. بنابراین، تعارض بین مدیریت و حسابرس پس از صدور اظهار نظر غیرمقبول، زمانی که مدیریت ظاهراً بیش اعتماد باشد، تشدید می‌شود و بنابراین احتمال برکناری حسابرس توسط صاحبکار بیشتر است.

علاوه بر این، ارتباط بین یک ویژگی مدیریتی و خاتمه حسابرس پس از اظهار نظر تعدیل شده، زمانی که یک کمیته حسابرسی قوی بتواند تعارض را کاهش دهد، ضعیف تر می‌شود. کارسلو و نیل (۲۰۰۳) دریافتند که وقتی شرکت دارای کمیته حسابرسی مستقل تر یا کمیته حسابرسی با تخصص بیشتر است، حسابرسان پس از صدور اظهار نظر تعدیل شده، کمتر احتمال دارد که اخراج شوند. این نشان می‌دهد که وقتی یک کمیته حسابرسی قوی وجود دارد، مدیریت نسبت به تصمیمات شرکتی اختیار کمتری دارد. بک و مولدین (۲۰۱۴) از کاهش حق الزحمه حسابرسی در طول رکود اقتصادی ۲۰۰۷-۲۰۰۹ استفاده کردند و نشان دادند که قدرت نسبی بین یک مدیر مالی و کمیته حسابرسی می‌تواند بر مذاکرات حق الزحمه حسابرسی تأثیر بگذارد. یک شرکت می‌تواند تصمیم بگیرد که حق الزحمه حسابرسی خود را برای کاهش هزینه‌ها و بهبود سود خالص (که مدیر مالی ترجیح می‌دهد) کاهش دهد. یا عدم کاهش حق الزحمه حسابرسی و احتمالاً حفظ کیفیت حسابرسی بالاتر را مدنظر بگیرد (که در خدمت هدف کمیته حسابرسی است). بر اساس این مطالعات، پیش بینی می‌شود که وقتی کمیته حسابرسی شرکت قوی باشد، ارتباط قوی‌تری بین اعتماد بیش از حد مدیریتی و احتمال خاتمه فعالیت حسابرس وجود دارد، زیرا مدیریت قدرتمندتر اختیار تصمیم‌گیری بیشتری در شرکت دارد. در ایران نیز کنعانی و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که بین کارایی مدیریت و تغییر

◆..... تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۱۳

حسابرس رابطه معنی داری وجود ندارد. با این حال، متغیر تعدیل کننده عدم تقارن اطلاعات، رابطه بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس را به صورت معناداری تعدیل نمود.

۲-۴- فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مطالعات و مبانی نظری مطرح شده فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه ۱: بیش اعتمادی مدیران با اظهار نظر حسابرس ارتباط مثبت دارد.

فرضیه ۲: توانایی مدیریت ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران و صدور اظهار نظر حسابرس را تعدیل می‌نماید.

فرضیه ۳: در سال بعد از صدور اظهار نظر حسابرس، بیش اعتمادی مدیران با تغییر حسابرس ارتباط مثبت و معناداری دارد.

فرضیه ۴: در شرکت‌های با کمیته حسابرسی ضعیف، رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و تغییر حسابرس در سال بعد از صدور اظهار نظر حسابرس، مثبت است.

۳- روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۴۰۰ است که پس از اعمال محدودیت‌های زیر، ۱۱۷ شرکت (۸۱۹ مشاهده سال - شرکت) از مجموع شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باقی ماند که برای جامعه در دسترس مطالعه شدند. شایان ذکر است داده‌ها از روی صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های بورسی منتشره در سایت‌های کدال و اطلاعات اعلام شده از سوی جامعه حسابداران رسمی به صورت دستی جمع‌آوری شده است. همچنین تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها به کمک نرم‌افزار Stata انجام گرفته است.

شرکت طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند.

شرکت های تحت بررسی جزء شرکت های سرمایه گذاری، هلدینگ، واسطه گری مالی و بیمه نباشند.

به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت ها به پایان اسفند ختم شود. اطلاعات و داده های آنها در دسترس باشد.

۳-۱- مدل ها و متغیرهای پژوهش

بر اساس مطالعات کیم (۲۰۲۱) برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل ۱ تا ۳ استفاده می شود.

مدل ۱:

$$GC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Over_{i,t} + Contorols_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

ضریب β_1 در صورتی که معنادار باشد آنگاه فرضیه اول، تأیید می شود.

مدل ۲:

$$GC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Over_{i,t} + \beta_2 Ability_{i,t} + \beta_3 Over_{i,t} * Ability_{i,t} + Contorols_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

ضریب β_3 در صورتی که معنادار باشد آنگاه فرضیه دوم، تأیید می شود.

مدل های مربوط به فرضیه سوم و چهارم بر اساس رابطه زیر آزمون می شود.

مدل ۳:

$$TERMINATED_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 OVER_{i,t} + \beta_2 GC_{i,t} + \beta_3 OVER_{i,t} \times GC_{i,t} + Contorols_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

ضریب β_3 در صورتی که مثبت و معنادار باشد آنگاه فرضیه سوم، تأیید می شود.

فرضیه چهارم را با برآورد مدل بالا به طور جداگانه برای گروه " کمیته حسابرسی قوی و گروه

کمیته حسابرسی ضعیف، آزمون می کنیم. پیش بینی می شود که برآورد ضریب

برای گروه کمیته حسابرسی ضعیف، قوی تر باشد زیرا به احتمال زیاد مدیران

قدرتمند می توانند از اختیار خود در مورد استخدام/ اخراج یک حسابرس استفاده کنند و این

شرایط در صورت وجود کمیته حسابرسی ضعیف اتفاق خواهد افتاد. انتظار می رود که β_3 برای

گروه کمیته حسابرسی ضعیف از لحاظ آماری و اقتصادی معنادار باشد.

◆ تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۱۵

متغیر وابسته:

اظهار نظر حسابرس (GC)؛ در صورتی که شرکت، اظهار نظر غیر مقبول دریافت کرده باشد برابر با یک و در غیر اینصورت صفر خواهد بود.

در مدل ۳، متغیر وابسته به شرح زیر است:

تغییر حسابرس (Terminated): اگر حسابرس در سال بعد از گزارش تعدیل شده تغییر کند

یک و در غیر اینصورت صفر می‌شود (کیم، ۲۰۲۱).

متغیر مستقل:

بیش اعتمادی مدیران (Over): برای اندازه‌گیری بیش اطمینانی مدیر ابتدا متغیر سرمایه‌گذاری بر روی دارایی‌ها و رشد فروش محاسبه می‌گردد سپس مدل زیر تخمین زده شده، و باقیمانده‌ها حاصل می‌شود. در صورتی که مقدار باقیمانده مثبت باشد نشان دهنده سرمایه‌گذاری بیش از حد بر دارایی‌ها و بیش اطمینانی مدیر که این متغیر مقدار ۱ را اختیار می‌کند در غیر این صورت صفر. در واقع شرکت‌هایی که دارایی‌ها با نرخ بالاتری نسبت به فروش رشد می‌کنند مدیران نسبت به هم‌تایان خود بیشتر در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند یعنی بیش سرمایه‌گذار هستند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۹).

مدل ۴:

$$\Delta Assets_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \Delta Sales Growth_{i,t} + \varepsilon$$

$\Delta Assets_{i,t}$: جمع کل دارایی‌های سال جاری منهای جمع کل دارایی‌های سال قبل تقسیم

بر جمع کل دارایی‌های سال قبل.

$\Delta Sales Growth_{i,t}$: فروش سال جاری منهای فروش سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل

متغیر تعدیلگر:

توانایی مدیریت (Ability): برای اندازه‌گیری توانایی مدیریت بر اساس مدل دمرجیان و

همکاران (۲۰۱۲)، عمل می‌شود. در مدل مذکور، با استفاده از کارایی شرکت، بعنوان متغیر

وابسته و کنترل ویژگیهای ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه خواهد شد. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، برای اندازه گیری کارایی شرکت، از الگوی تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده کردند (بصورت هر صنعت جداگانه) که بر اساس آن، درآمد حاصل از فروش بعنوان خروجی (sale) و متغیرهای بهای تمام شده کالای فروش رفته (COGS)، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش (SG&A)، خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات (PPE)، هزینه اجاره عملیاتی (OPSLEASE)، هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D)، سرقفلی (GoodWill) و داراییهای نامشهود (OtherIntan)، بعنوان ورودی در نظر گرفته شده‌اند که به مقدار زیادی، حق انتخاب مدیریت در دستیابی به درآمد مورد نظر را پوشش می‌دهند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲). با توجه به اینکه اغلب شرکت‌ها سرقفلی، هزینه تحقیق و توسعه و هزینه اجاره عملیاتی را گزارش نمی‌کنند در حین تحلیل پوششی این دو متغیر حذف می‌گردد.

$$\text{مدل ۵: } \max_{y_0} = \frac{\text{sale}}{v_1 \text{COGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{PPE} + v_4 \text{OPSLEASE} + v_5 \text{R\&D} + v_6 \text{GoodWill} + v_7 \text{OtherIntan}}$$

هدف از محاسبه کارایی شرکت، اندازه گیری توانایی مدیریت می‌باشد و از آنجایی که در محاسبات مربوط به کارایی (رابطه ۲)، ویژگی‌های ذاتی شرکت نیز دخالت دارد، نمی‌توان توانایی مدیریت را به درستی اندازه گیری نمود. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، به منظور کنترل ویژگیهای ذاتی شرکت در الگوی ارائه شده، کارایی شرکت را به دو بخش جداگانه، یعنی کارایی بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت تقسیم نموده‌اند. آنان این کار را با استفاده از کنترل پنج ویژگی خاص شرکت شامل اندازه شرکت، سهم بازار از شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و صادرات انجام دادند. هر کدام از متغیرهای مذکور که ویژگی‌های ذاتی شرکت هستند، میتوانند به مدیریت کمک نمایند تا تصمیمات بهتری را اتخاذ کرده یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی مدیریت را محدود سازند.

$$\text{مدل ۶: } \text{FirmEfficiency} = \beta_0 + \beta_1 \text{Size} + \beta_2 \text{Market Share} + \beta_3 \text{Free Cash Flow Indicator} + \beta_4 \text{Age} + \beta_5 \text{Foreign Currency Indicator} + \varepsilon$$

◆ تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۱۷

مدل ۶ بر اساس یک الگوی رگرسیونی توبیت برآورد می‌شود. در این مدل: **Firm Efficiency**، کارایی شرکت، که از مدل ۵، استخراج شده است. **Size**، اندازه شرکت، که بیانگر لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت است، **Market Share**، سهم بازار شرکت ز در سال t که برابر است با نسبت فروش شرکت به فروش صنعت. **Free Cash Flow Indicator**، افزایش (کاهش) در جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت ز در سال t ، نسبت به سال قبل می‌باشد که در صورت افزایش در جریان‌های نقدی، امتیاز یک و در صورت کاهش، امتیاز صفر به شرکت تعلق می‌گیرد.

Age، عمر شرکت که عبارت است از تفاوت سال‌های پذیرفته شدن شرکت در بورس تا دوره مورد بررسی، **Foreign Currency Indicator**، صادرات بوده و در صورتی که شرکت، صادرات داشته باشد، امتیاز یک و در غیر این صورت، به شرکت امتیاز صفر تعلق می‌گیرد و E ، پسماند مدل بوده و نشان دهنده توانایی مدیریت می‌باشد. بر اساس این اندازه‌گیری، دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، رتبه‌های مختلفی از توانایی‌های مدیریتی را براساس سال و صنعت ایجاد می‌کنند تا امتیاز را در طول زمان و صنایع قابل مقایسه‌تر کنند و تأثیر عوامل پرت را کاهش دهد. قدرت کمیته حسابرسی (AC): قدرت کمیته حسابرسی بر اساس اندازه کمیته حسابرسی (ACSIZE)، تخصص مالی کمیته حسابرسی (ACEXP) و استقلال کمیته حسابرسی (ACIND) اندازه‌گیری می‌شود. سپس متغیرهای مورد نظر بر اساس روش تحلیل مولفه اساسی (PCA) تجمیع شده و در نهایت بر اساس میانه به متغیر دو ارزشی برای کمیته حسابرسی قوی و ضعیف محاسبه می‌شود.

استقلال کمیته حسابرسی (ACIND): درصد اعضای غیر موظف به کل اعضای کمیته حسابرسی است.

اندازه کمیته حسابرسی (ACSIZE): برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد اعضای کمیته حسابرسی.

تخصص مالی کمیته حسابرسی (ACEXP): برابر است با نسبت اعضای دارای تخصص مالی به کل اعضای کمیته حسابرسی.

متغیرهای کنترلی نیز به شرح زیر است:

اندازه شرکت (Size): لگاریتم طبیعی کل دارایی ها؛ اهرم مالی (Leverage): نسبت مجموع بدهی ها تقسیم بر کل دارایی ها؛ نوسانات بازده (Volatility): واریانس بازده ماهانه سهام در طول سال مالی؛ زیان ده بودن (Loss): متغیر شاخص برابر با یک در صورتی که شرکت در سال قبل سود منفی داشته باشد. صفر در غیر این صورت؛ سرمایه گذاری (Invest): اوراق بهادار سرمایه گذاری کوتاه مدت و بلندمدت (شامل وجه نقد و معادل های نقدی) که در پایان سال تقسیم بر کل دارایی ها؛ نسبت جریان نقدی عملیاتی (CFO): جریان نقدی عملیاتی تقسیم بر کل دارایی ها؛ رشد (Growth): تغییر در فروش سال جاری و سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل؛ نگهداشت وجه نقد (Cash): وجه نقد تقسیم بر کل دارایی ها؛ بازده دارایی (ROA): بازده دارایی ها (درآمد خالص قبل از ارقام فوق العاده تقسیم بر دارایی ها)؛ موجودی و حساب دریافتی (InvRec): مجموع موجودی ها و حساب های دریافتی تقسیم بر کل دارایی ها؛ دوره تصدی حسابرس (Tenure): تعداد سال های متوالی که مؤسسه حسابرسی یک شرکت را حسابرسی می کند؛ نوع مؤسسه حسابرسی (AudType): متغیر شاخص برابر با یک اگر شرکت توسط یک شرکت حسابرسی بزرگ (سازمان حسابرسی) شود. صفر در غیر این صورت؛ سال و صنعت (Ind&Year): سال و صنعت متغیرهای دو ارزشی برای کنترل سال ها و صنایع مختلف است.

۴- یافته های پژوهش

در جدول (۱) آماره های توصیفی مرتبط با مدل ها درج شده است. مطابق با نتایج به دست آمده، میانگین توانایی مدیریت برابر با ۰/۰۵- است. این نتایج در راستای پژوهش سرلک و همکاران (۱۳۹۶) می باشد. سایر پارامترهای توصیفی برای متغیرها نیز در جدول قابل ملاحظه است. برای متغیرهای گسسته نیز فراوانی و درصد فراوانی آورده شده است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

پنل الف) متغیرهای پیوسته						
متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
توانایی مدیریت	Ability	-0.005	-0.030	0.342	-0.358	0.222
اندازه شرکت	Size	14.657	14.566	17.061	12.602	1.170
اهرم مالی	Leverage	0.592	0.584	1.065	0.209	0.225
نوسانات بازده	Volatility	0.036	0.025	0.124	0.002	0.033
سرمایه‌گذاری	Invest	0.121	0.075	0.417	0.006	0.119
نسبت جریان نقدی عملیاتی	CFO	0.101	0.086	0.331	-0.072	0.108
رشد	Growth	0.295	0.198	1.321	-0.291	0.429
نگهداشت وجه نقد	Cash	0.039	0.025	0.137	0.002	0.038
بازده دارایی	ROA	0.113	0.090	0.406	-0.145	0.138
موجودی و حساب دریافتی	InvRec	0.547	0.548	0.849	0.195	0.187
دوره تصدی حسابرس	Tenure	2.232	2.000	7.000	1.000	1.425
پنل ب) متغیرهای گسسته						
متغیر	نماد	فراوانی		درصد فراوانی		
		یک	صفر	یک	صفر	
اظهار نظر حسابرس	GC	425	394	51.89	48.11	
تغییر حسابرس	Terminated	241	578	29.43	70.57	
بیش اعتمادی مدیران	Over	262	557	31.99	68.01	
قدرت کمیته حسابرسی	AC	398	421	48.60	51.40	
زیان ده بودن	Loss	119	700	14.53	85.47	
نوع مؤسسه حسابرسی	AudType	164	655	20.02	79.98	

برای آزمون فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه بیش اعتمادی مدیران با دریافت اظهارنظر حسابرس ارتباط مثبت دارد، از نتایج مدل ارائه شده در جدول ۲ استفاده می‌شود. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، آماره والد برابر با $155/46$ است و مقدار احتمال (سطح معناداری) آماره والد برابر $0/000$ بوده و چون این مقدار کمتر از $0/05$ است، فرض صفر در سطح اطمینان 95% رد می‌شود، یعنی مدل در حالت کلی معنادار است. نتایج مربوط به ضریب تعیین پسودو نشان می‌دهد که $18/3$ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند. لازم به ذکر است ضریب تعیین پسودو در رگرسیون لجستیک دارای مقادیر کوچک است لذا نگرانی از این بابت نیست. با بررسی ضرایب مدل ارائه شده، مشاهده می‌شود که ضریب بیش اعتمادی مدیران برابر با $0/356$ است که طبق آماره Z در سطح احتمال 95 درصد این متغیر معنادار نیست اما در سطح 90 درصد معنادار است. بنابراین می‌توان بیان کرد که با افزایش بیش اعتمادی مدیران، میزان اظهار نظر غیرمقبول افزایش پیدا می‌کند. لذا فرضیه اول تأیید می‌شود.

با بررسی سایر متغیرها می‌تواند دریافت که افزایش اهرم مالی، نسبت جریان نقدی عملیاتی، نگهداشت وجه نقد و بازده دارایی منجر به کاهش احتمال اظهار نظر حسابرس می‌شود. با این حال افزایش سرمایه‌گذاری منجر به افزایش احتمال اظهار نظر پیرامون تداوم فعالیت می‌شود. سایر عوامل تأثیر معناداری بر اظهار نظر پیرامون تداوم فعالیت ندارد. سال و صنعت نیز متغیرهای دو ارزشی مربوط به سال‌ها و صنایع مختلف (مجموعاً 18 متغیر) است که در مدل قرار گرفتند و به دلیل تعداد زیاد متغیرها، از ارائه نتایج آنه صرف نظر شد.

جدول ۲: آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	نماد	ضرایب	خطا	آماره z	احتمال آماره z
بیش اعتمادی مدیران	Over	0.356	0.190	1.870	0.061
اندازه شرکت	Size	0.095	0.098	0.970	0.331
اهرم مالی	Leverage	-	-	-	-
نوسانات بازده	Volatility	2.922	2.958	0.990	0.323
زیان ده بودن	Loss	0.437	0.331	1.320	0.187
سرمایه‌گذاری	Invest	3.796	0.835	4.550	0.000
نسبت جریان نقدی عملیاتی	CFO	-	-	-	-
		2.990	0.973	3.070	0.002
رشد	Growth	-	-	-	-
		0.445	0.402	1.110	0.268
نگهداشت وجه نقد	Cash	-	-	-	-
		5.761	2.640	2.180	0.029
بازده دارایی	ROA	-	-	-	-
		4.815	1.129	4.260	0.000
موجودی و حساب دریافتی	InvRec	-	-	-	-
		0.863	0.601	1.430	0.151
دوره تصدی حسابرس	Tenure	-	-	-	-
		0.040	0.070	0.570	0.570
نوع مؤسسه حسابرسی	AudType	-	-	-	-
		0.219	0.252	0.870	0.384
مقدار ثابت	C	-	-	-	-
		0.650	1.560	0.420	0.677
سال و صنعت	Ind&Year	کنترل شد			
آماره والد	احتمال آماره والد	ضریب تعیین پسودو			
155.460	0.000	0.183			

۲۲ ◇ فصلنامه علمی - تخصصی حسابداری و فناوری های نوین ♦

برای آزمون دوم پژوهش مبنی بر اینکه توانایی مدیریت ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران و اظهارنظر حسابرسان غیرمقبول را تعدیل می نماید، از نتایج مدل ارائه شده در جدول ۳ استفاده می شود. با بررسی ضرایب مدل ارائه شده، مشاهده می شود که ضریب متغیر اثرات تعاملی بیش اعتمادی مدیران و توانایی مدیریت برابر با $1/642$ - است که طبق آماره z در سطح احتمال ۹۵ درصد این متغیر معنادار است. بنابراین می توان بیان کرد که توانایی مدیریت ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران و اظهارنظر حسابرسان را تعدیل می نماید. چراکه ضریب اثرات تعاملی منفی و در خلاف جهت ضریب بیش اطمینانی مدیران (مثبت) است. لذا فرضیه دوم تأیید می شود.

جدول ۳: آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	نماد	ضرایب	خطا	آماره z	احتمال آماره z
بیش اعتمادی مدیران	Over	0.370	0.192	1.930	0.054
توانایی مدیریت	Ability	1.141	0.481	2.370	0.018
بیش اعتمادی مدیران* توانایی مدیریت	Over*Ability	-1.642	0.762	-2.150	0.031
اندازه شرکت	Size	0.086	0.098	0.870	0.383
اهرم مالی	Leverage	-1.150	0.550	-2.090	0.036
نوسانات بازده	Volatility	2.754	2.949	0.930	0.350
زیان ده بودن	Loss	0.423	0.332	1.270	0.203
سرمایه گذاری	Invest	3.728	0.853	4.370	0.000
نسبت جریان نقدی عملیاتی	CFO	-2.967	0.982	-3.020	0.003
رشد	Growth	-0.479	0.411	-1.160	0.244
نگهداشت وجه نقد	Cash	-6.140	2.678	-2.290	0.022
بازده دارایی	ROA	-5.077	1.163	-4.370	0.000
موجودی و حساب دریافتی	InvRec	0.821	0.612	1.340	0.179
دوره تصدی حسابرسان	Tenure	-0.044	0.070	-0.620	0.532
نوع مؤسسه حسابرسانی	AudType	0.240	0.253	0.950	0.342
مقدار ثابت	C	-0.382	1.576	-0.240	0.809
سال و صنعت	Ind&Year	کنترل شد			
آماره والد	احتمال آماره والد	ضریب تعیین پسودو			
160.960	0.000	0.189			

◆ تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۲۳

برای آزمون فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اینکه در سال بعد از اظهار نظر حسابرس، بیش اعتمادی مدیران با تغییر حسابرس ارتباط مثبت و معناداری دارد، از نتایج مدل ارائه شده در جدول ۴ استفاده می‌شود. بررسی ضرایب مدل ارائه شده، مشاهده می‌شود که ضریب اثرات تعاملی بیش اعتمادی مدیران و اظهار نظر پیرامون تداوم فعالیت ۰/۷۵ است. این ضریب بر اساس آماره z در سطح احتمال ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین می‌توان گفت که در شرایط اظهار نظر پیرامون تداوم فعالیت، اثر بیش اعتمادی مدیران بر تغییر حسابرس بیشتر می‌شود. لذا فرضیه سوم مبنی بر اینکه "در سال بعد از صدور اظهار نظر غیرمقبول، بیش اعتمادی مدیران با تغییر حسابرس ارتباط مثبت و معناداری دارد" تأیید می‌شود.

جدول ۴: آزمون فرضیه سوم پژوهش

متغیر	نماد	ضرایب	خطا	آماره z	احتمال آماره z
بیش اعتمادی مدیران	Over	0.167	0.288	0.580	0.561
اظهار نظر پیرامون تداوم فعالیت	GC	0.518	0.224	2.320	0.021
بیش اعتمادی مدیران* اظهار نظر تداوم فعالیت	Over*GC	0.750	0.377	1.990	0.047
اندازه شرکت	Size	-0.175	0.103	-1.700	0.090
اهرم مالی	Leverage	0.303	0.553	0.550	0.584
نوسانات بازده	Volatility	-2.071	3.185	-0.650	0.516
زیان ده بودن	Loss	0.223	0.308	0.730	0.468
سرمایه گذاری	Invest	-1.078	0.927	-1.160	0.245
نسبت جریان نقدی عملیاتی	CFO	-0.733	1.044	-0.700	0.483
رشد	Growth	-0.381	0.430	-0.880	0.376
نگهداشت وجه نقد	Cash	3.180	2.913	1.090	0.275
بازده دارایی	ROA	-0.157	1.274	-0.120	0.902
موجودی و حساب دریافتی	InvRec	-1.688	0.657	-2.570	0.010
دوره تصدی حسابرس	Tenure	0.329	0.092	3.560	0.000
نوع مؤسسه حسابرسی	AudType	-1.215	0.344	-3.530	0.000
مقدار ثابت	C	1.685	1.657	1.020	0.309
سال و صنعت	Ind&Year	کنترل شد			
آماره والد	احتمال آماره والد	ضریب تعیین پسودو			
59.150	0.001	0.091			

برای آزمون چهارم پژوهش مدل فرضیه سوم در دو حالت شرکت های با کمیته حسابرسی قوی و ضعیف آزمون می شود. نتایج مدل های مورد نظر در جدول ۵ آورده شده است. با بررسی ضریب اثرات تعاملی بیش اعتمادی مدیران و اظهارنظر پیرامون تداوم فعالیت در مدل با کمیته حسابرسی قوی مشاهده می شود که ضریب مورد نظر ۰/۸۴ است. این ضریب بر اساس آماره Z در هیچ یک از سطوح احتمال معنادار نیست. در مدل با کمیته حسابرسی ضعیف ضریب اثرات تعاملی بیش اعتمادی مدیران و اظهارنظر پیرامون تداوم فعالیت برابر با ۰/۹۴ است. این ضریب بر اساس آماره Z در سطح احتمال ۹۰ درصد معنادار است. لذا می توان دریافت که تفاوت معناداری در ضریب اثرات تعاملی بیش اعتمادی مدیران و اظهارنظر پیرامون تداوم فعالیت در مدل با کمیته حسابرسی قوی و ضعیف وجود دارد. در واقع در شرکت های با کمیته حسابرسی ضعیف به دلیل قدرت بالاتر مدیران در شرکت، اثرات بیش اعتمادی بر تغییر حسابرس پس از اظهار نظر غیر مقبول حسابرس پررنگ تر است. لذا فرضیه چهارم پژوهش نیز تأیید می شود و می توان گفت که در شرکت های با کمیته حسابرسی ضعیف، رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و تغییر حسابرس در سال بعد از صدور اظهار نظر حسابرس، مثبت است.

جدول ۵: آزمون فرضیه چهارم پژوهش

متغیر	نماد	کمیته حسابرسی قوی		کمیته حسابرسی ضعیف	
		ضرایب	آماره z	ضرایب	آماره z
بیش اعتمادی مدیران	Over	0.090	0.180	0.297	0.720
اظهارنظر پیرامون تداوم فعالیت	GC	0.814**	2.280	0.239	0.730
بیش اعتمادی مدیران* اظهارنظر تداوم فعالیت	Over*GC	0.840	1.310	0.940*	1.720
اندازه شرکت	Size	-0.168	-0.990	-0.262*	-1.660
اهرم مالی	Leverage	1.207	1.240	-0.188	-0.220
نوسانات بازده	Volatility	2.206	0.400	-4.559	-1.060

◆ تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۲۵

-0.500	-0.225	0.850	0.431	Loss	زیان ده بودن
-0.910	-1.237	-0.460	-0.649	Invest	سرمایه‌گذاری
0.650	1.040	-1.550	-2.428	CFO	نسبت جریان نقدی عملیاتی
0.980	0.670	-2.550	-1.877**	Growth	رشد
1.100	4.673	0.450	2.139	Cash	نگهداشت وجه نقد
-1.410	-3.148	0.900	1.824	ROA	بازده دارایی
-2.200	-2.132**	-1.570	-1.655	InvRec	موجودی و حساب دریافتی
1.330	0.178	3.930	0.636**	Tenure	دوره تصدی حسابرس
-1.860	-0.954*	-2.580	-1.346**	AudType	نوع مؤسسه حسابرسی
1.530	3.869	-0.030	-0.069	C	مقدار ثابت
			کنترل شد	Ind&Year	سال و صنعت
	54.160		43.900		آماره والد
	0.002		0.049		احتمال آماره والد
	0.099		0.166		ضریب تعیین پسودو
	362		340		تعداد مشاهدات

** و * به ترتیب معناداری در سطح احتمال ۹۵ درصد و ۹۰ درصد

۵. نتیجه‌گیری

حسابرسان در موقعیتی هستند که مدیران واقعاً بیش از حد اعتماد به نفس را از مدیران بسیار شایسته تشخیص می‌دهند. اگر مدیران، بیش از حد به توانایی‌های مدیریتی خود باور داشته و تصمیمات نامعقولی اتخاذ کنند در این موقعیت حسابرسان، برنامه‌های مدیریت را غیر قابل اعتماد می‌دانند لذا، تصمیم به صدور اظهار نظر تعدیل شده می‌گیرند. اما، اگر حسابرسان متقاعد شوند که این مدیران به خاطر داشتن صلاحیت است و به این نتیجه برسند که برنامه‌های مدیریت برای غلبه بر تردید اساسی در مورد توانایی شرکت مشتری کافی است، به صدور گزارش تعدیل نشده می‌پردازد. از طرفی، زمانی که حسابرس از رفتارهای حسابداری شرکت

پشتیبانی نمی‌کند یا نظر حسابرسی تعدیل شده صادر می‌کند، احتمال بیشتری وجود دارد که یک شرکت رابطه خود را با حسابرس خاتمه دهد. بنابراین، تعارض بین مدیریت و حسابرس پس از صدور اظهارنظر تعدیل شده، زمانی که مدیریت ظاهراً بیش از حد مطمئن است، تشدید می‌شود و بنابراین احتمال برکناری حسابرس توسط صاحبکار بیشتر است. همچنین، وقتی شرکت دارای کمیته حسابرسی مستقل تر است، حسابرسان پس از صدور اظهار نظر تعدیل شده، کمتر احتمال دارد که اخراج شوند. این نشان می‌دهد که وقتی یک کمیته حسابرسی قوی وجود دارد، مدیریت نسبت به تصمیمات شرکتی اختیار کمتری دارد.

نتایج حاکی از آن است که بیش اعتمادی مدیران با دریافت اظهارنظر غیرمقبول حسابرس ارتباط مثبت و معناداری دارد. این نتایج همراستا با مطالعات هریبار و یانگ (۲۰۱۶)، کوه و همکاران (۲۰۱۸)، دولمن و همکاران (۲۰۱۵)، خوشکار و همکاران (۱۴۰۰) و کیمیایی (۱۳۹۶) است. همچنین توانایی مدیریت ارتباط میان بیش اعتمادی مدیران و صدور گزارش‌های حسابرس مربوط به اظهارنظر حسابرس را تعدیل می‌نماید که همراستا با مطالعات بایک و همکاران (۲۰۱۸) و دمرجیان و همکاران (۲۰۲۰) است. علاوه بر این نتایج نشان داد که در سال بعد از صدور اظهار نظر اظهارنظر حسابرس، بیش اعتمادی مدیران با تغییر حسابرس ارتباط مثبت و معناداری دارد و قدرت بیشتر مدیریت به کمیته حسابرس بر ارتباط میان ویژگی‌های مدیریتی (بیش اعتمادی و توانایی) و تغییر حسابرس اثر مثبت و معنادار دارد که در این راستا دهلیوال و همکاران (۲۰۱۵) و بک و مولدین (۲۰۱۴) نیز به همین مساله اشاره نمودند.

بر مبنای این نتیجه می‌توان گفت با توجه به بیش ارزیابی این مدیران از واقعیت‌ها و اینکه آن‌ها همیشه حتی نسبت به ریسک شرکت و خطرات موجود وقایع را دست کم می‌گیرند، حسابرسان با توجه به درک این واقعیت و شخصیت آن‌ها، اعتماد کمتری به گزارشات آن‌ها دارند و به این نتیجه می‌رسند که برنامه‌های مدیریت برای غلبه بر بحران ناکافی و غیرقابل اعتماد

◆..... تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۲۷

است و تصمیم به اظهار نظر غیر مقبول می‌گیرند. مضاف بر اینکه معمولاً وجود مدیریت بیش اعتماد شک حرفه‌ای حسابرس را افزایش دهد و ارزیابی حسابرس از توانایی شرکت برای ادامه فعالیت شرکت را تحت تأثیر قرار دهد، بنابراین منجر به صدور بند ابهام در فعالیت می‌کنند. همچنین به دلیل تضاد ایجاد شده میان مدیریت و حسابرس در رابطه با اظهار نظر قبلی حسابرس، احتمال تغییر حسابرس افزایش می‌یابد. در این حالت مدیران برای اجتناب از دریافت اظهار نظر مشروط و یا مردود، اقدام به تغییر حسابرس می‌کنند در حالی که حاضر به تغییر در نظرات خود نیستند.

با توجه به اینکه در زمینه حسابرسی، ترازوی قدرت تقریباً همیشه به طرف صاحبکاران می‌باشد. در صورت وجود مجادله بین حسابرس و صاحبکار، مدیریت امکان دارد از طریق تهدید به خاتمه کار با حسابرس، وی را مجبور به پذیرش رویه‌های حسابداری نماید. در حالی که مدیریت در انجام این کار نتواند موفق شود، با اعمال قدرت خود ممکن است حسابرس را برکنار کرده و حسابرس انعطاف پذیرتری را پیدا نماید.

از طرفی، انتظار می‌رود وقتی مدیران اعتماد بیش از حد داشته باشند، احتمال اینکه حسابرس در مورد گزارش‌های شرکت اظهار نظر کند، افزایش می‌یابد و احتمال تغییر حسابرس توسط مدیریت در سال بعد از صدور گزارش تداوم فعالیت نیز افزایش می‌یابد. در حال حاضر مدیرانی که بیش اطمینانی دارند و از طرف دیگر دارای توانایی بالایی هستند، این توانایی رابطه بین بیش اطمینانی و اظهار نظر حسابرس را تعدیل می‌کند و بر آن تأثیر منفی می‌گذارد. البته در این مطالعه، قدرت مدیریت و کمیته حسابرسی در ارتباط با یکدیگر و تأثیر آن بر روابط فوق الذکر نیز مورد بررسی قرار گرفته است. داشتن یک کمیته حسابرسی قوی می‌تواند از مداخله مدیران در فرآیند حسابرسی یا ابتیاع خدمات حسابرسی بیشتر به منظور تهاثر ریسک‌های منتسب به بیش اطمینانی مدیران جلوگیری نماید. با ادعای اینکه کمیته حسابرسی قوی نفوذ مدیریت را کاهش می‌دهد، هالیوان و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که شرکت‌هایی با کمیته

حسابرسی قوی، کمتر حسابرسان وابسته به مدیر را استخدام می‌کنند. بنابراین، پیش‌بینی می‌شود که اگر یک شرکت مدیریت دارای قدرت بیشتری نسبت به کمیته حسابرسی باشد، احتمال تغییر حسابرس در سال بعد از گزارش افزایش نمی‌یابد و در حالت عکس این قضیه، انتظار است که از حسابرس در مقابل تغییر در سال بعد از صدور گزارش حفاظت شود؛ پس پیش‌بینی می‌شود که در این حالت ارائه اظهارنظر حسابرسی غیرمقبول افزایش پیدا کند.

منابع

۱. بهار مقدم، مهدی، صالحی، تابنده، اعظمی، زینب، (۱۳۹۶)، رابطه بین توانایی مدیریت، حق الزحمه حسابرسی و تداوم فعالیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۹(۲)، ۲۳-۴۴.
۲. خوشکار، فرزین، خان محمدیان، امیر، طاهری، محمد. (۱۴۰۰)، تأثیر بیش اعتمادی مدیران بر اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت در شرکت و تغییر حسابرِس، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۵(۱۹)، ۱۴۷۳-۱۴۸۶.
۳. علیمزادی، مهران، عبدی، حدیث. (۱۳۹۹)، مطالعه تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرِس حاوی بند تداوم فعالیت، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۶(۴۵)، ۹۰-۱۰۹.
۴. کنعانی، اکبر، حجازی، رضوان، قنبری، مهرداد، جمشیدی نوید، بابک، (۱۳۹۸)، بررسی ارتباط بین کارآیی مدیریت و تغییر حسابرِس با تأکید بر نقش عدم تقارن اطلاعاتی، تحقیقات حسابداری و حسابرِس، ۴۳، ۲۳-۴۰.
۵. کیمیایی، معصومه، (۱۳۹۶)، تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر نظر حسابرِس در مورد تداوم فعالیت واحد اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی پرندهک.

6. Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51(1), 1–30.
7. Anderson, C., Brion, S., Moore, D. A., & Kennedy, J. A. (2012). A status-enhancement account of overconfidence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 103(4), 718–735.
8. Anderson, U. L., Koonce, L., & Marchant, G. (1994). The effects of source-competence information and its timing on auditors' performance of analytical procedures. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 13(1), 137–148.
9. Baik, B., Brockman, P. A., Farber, D. B., & Lee, S. (2018). Managerial ability and the quality of firms' information environment. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 33(4), 506-527.
10. Baik, B., Brockman, P. A., Farber, D. B., & Lee, S. (2018). Managerial ability and the quality of firms' information environment. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 33(4), 506–527.
11. Banerjee, S., Humphery-Jenner, M., Nanda, V., & Tham, T. M. (2018). Executive overconfidence and securities class actions. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 53(6), 2685.
12. Beck, M. J., & Mauldin, E. G. (2014). Who's really in charge? Audit committee versus CFO power and audit fees. *The Accounting Review*, 89(6), 2057–2085.
13. Ben-David, I., Graham, J. R., & Harvey, C. R. (2013). Managerial miscalibration. *The Quarterly Journal of Economics*, 1547–1584.
14. Carcello, J. V., & Neal, T. L. (2003). Audit committee characteristics and auditor dismissals following “new” going-concern reports. *The Accounting Review*, 78(1), 95–117.

15. Chen, G., Crossland, C., & Luo, S. (2015). Making the same mistake all over again: CEO overconfidence and corporate resistance to corrective feedback. *Strategic Management Journal*, 36(10), 1513–1535.
16. Citron, D. B., & Taffler, R. J. (1992). The audit report under going concern uncertainties: An empirical analysis. *Accounting and Business Research*, 22(88), 337–345.
17. Demerjian, P., Lewis-Western, M., & McVay, S. (2020). How does intentional earnings smoothing vary with managerial ability? *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 35(2), 406–437.
18. Dhaliwal, D. S., Lamoreaux, P., Lennox, C. S., & Mauler, L. M. (2015). Management influence on auditor selection and subsequent impairments of auditor independence during the post-SOX period. *Contemporary Accounting Research*, 32(2), 575–607.
19. Duellman, S., Hurwitz, H., & Sun, Y. (2015). Managerial overconfidence and audit fees. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 11(2), 148–165.
20. Eutsler, J., Norris, A. E., & Trompeter, G. M. (2018). A live simulation-based investigation: Interactions with clients and their effect on audit judgment and professional skepticism. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 37(3), 145-162.
21. Goel, A. M., & Thakor, A. V. (2008). Overconfidence, CEO selection, and corporate governance. *The Journal of Finance*, 63(6), 2737–2784.
22. Gul, F. A., Khedmati, M., Lim, E. K., & Navissi, F. (2018). Managerial ability, financial distress, and audit fees. *Accounting Horizons*, 32(1), 29–51.
23. Hirshleifer, D., Low, A., Teoh, S.H., 2012. Are overconfident CEOs better innovators? *J. Financ.* 67, 1457–1498.

24. Hirst, D. E. (1994). Auditors' sensitivity to source reliability. *Journal of Accounting Research*, 32(1), 113–126.
25. Hribar, P., & Yang, H. (2016). CEO overconfidence and management forecasting. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 204–227.
26. Hribar, P., Kim, J., Wilson, R., & Yang, H. (2012). Counterparty responses to managerial overconfidence. Working paper. University of Iowa and University of Pennsylvania.
27. Kim, T. (2021). Does a Manager Respond to a Going-Concern Audit Opinion with an Asymmetry in Gain and Loss?. *Sustainability*, 13(8), 4425.
28. Koh, P. S., Reeb, D. M., & Zhao, W. (2018). CEO confidence and unreported R&D. *Management Science*, 64(12), 5725–5747.
29. Krishnan, G. V., & Wang, C. (2015). The relation between managerial ability and audit fees and going concern opinions. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 34(3), 139–160.
30. Lennox, C. (2000). Do companies successfully engage in opinion-shopping? Evidence from the UK. *Journal of Accounting and Economics*, 29(3), 321–337.
31. Malmendier, U., Tate, G., 2008. Who makes acquisitions? CEO overconfidence and the market's reaction. *J. Financ. Econ.* 89, 20–43.
32. McDaniel, L. S., & Kinney, W. R. (1995). Expectation-formation guidance in the auditor's review of interim financial information. *Journal of Accounting Research*, 59–76.
33. Merkle, C., & Weber, M. (2011). True overconfidence: The inability of rational information processing to account for apparent overconfidence. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 116(2), 262–271.

34. Sunder, J., Sunder, S. V., & Tan, L. (2010). The role of managerial overconfidence in the design of debt covenants. Working Paper. University of Arizona.
35. The effect of management characteristics on going-concern decisions and auditor turnover

Abstract

Investigating the impact of management overconfidence and management ability on company policies such as the company's policy and accounting policies is an important issue; Because too much trust can lead to decisions that destroy the value of the company and make the continuation of the company's activity face the risk of bankruptcy; Therefore, the purpose of this research is to examine the relationship between managers' overconfidence and the issuance of an auditor's report containing the continuity of activity clause, as well as a further test to investigate the effect of management ability on the overconfidence relationship and the issuance of an audit report based on the continuity of activity and the change of the auditor. . In this regard, a sample of 117 companies during the period of 1394 to 1400 (819 company-years) was selected as the research sample and the hypotheses were tested based on logistic regression. The results showed that with the increase of managers' overconfidence, the amount of auditor's comments about the continuity of the company's activity increases and managerial ability moderates this relationship. Also, managers' overconfidence has a positive effect on increasing the auditor's dismissal rate in the year after issuing the adjusted opinion. In addition, the results showed that the effects of managers' overconfidence on the auditor's dismissal after commenting on the continuation of activity are greater for companies with a weak audit committee.

Keywords: Managerial overconfidence, auditor's opinion about Going concern, Auditor turnover, Audit committee, Managerial ability.